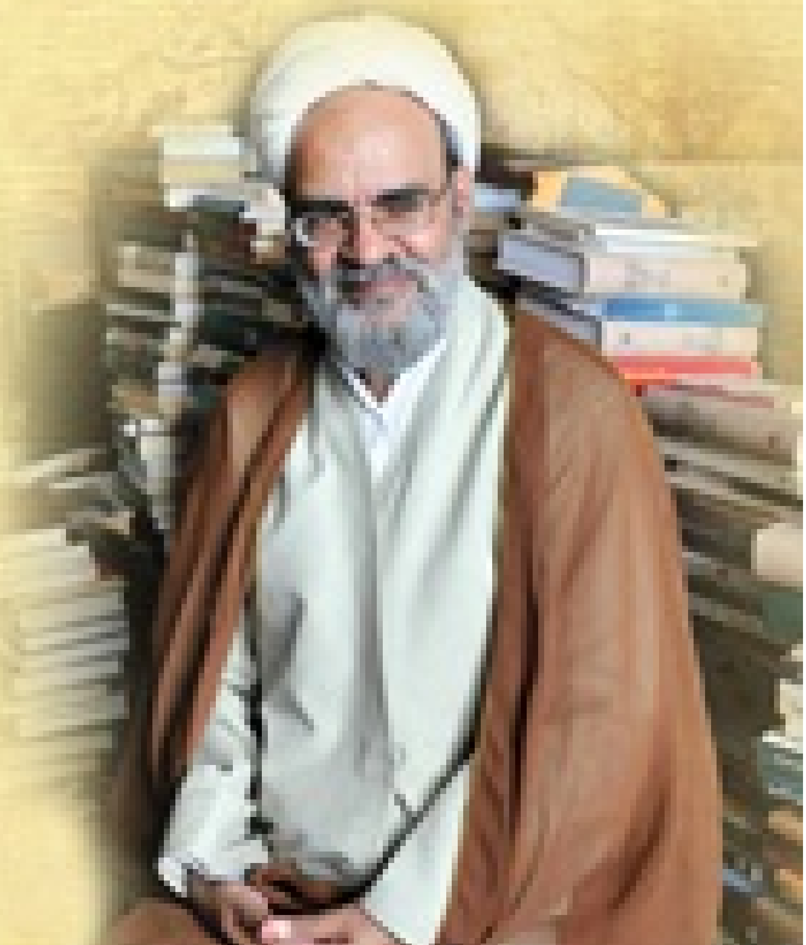
استاد منذر (ره)؛

دیده‌بانِ بیدار بر اریکهٔ انذار



نویسنده: مرحوم استاد علی ابوالحسنی (منذر)

بسم الله الرحمن الرحیم

دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری

نویسنده:

علی ابوالحسنی (منذر)

ناشر چاپی:

علی ابوالحسنی (منذر)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابوالحسنی، علی، - ۱۳۳۴

عنوان و نام پدیدآور : دیده بان، بیدار! دیدگاهها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری/ علی ابوالحسنی (منذر)

مشخصات مقاله : تهران: عبرت، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۱۱

شابک : ۹۶۴-۹۱۸۳۰-۵-۱۱۰۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی:...Ali abual - hassani. Lookout, ale Rt the.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۱۳] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : فضل الله نوری، ۱۳۲۷ - ۱۲۵۹ق. -- سرگذشتنامه

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۷ - ۱۳۲۴ق. -- روحانیت

موضوع : مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : DSR۱۴۵۳/ف۶ الف۲۴ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۵۰۹۲

اشاره

استاد منذر (ره) ؛ دیده بانِ بیدار بر اریکهٔ انذار

نگاهی به تکاپوی علمی و مجاهدات اجتماعی استاد ابوالحسنی (منذر) در مبارزه با فرقه های ضاله و دفاع از دستاوردهای تاریخی مذهب تشیّع

محمد صادق ابوالحسنی

اسفند ۱۳۹۱

با رحلت استاد علی ابوالحسنی (منذر)، تشیع یکی از مدافعان و فرزندان آگاه و لایق خویش را از دست داد. استاد فقید از شخصیت هایی بود که به رغم میل به گمنامی نزد خواص اهل حق و نیز دشمنان ایشان، به عنوان یکی از پیشروان دفاع از اندیشه شیعی شناخته می شد والبته از گزند ترور شخصیت و حتی ترور فیزیکی آنان در امان نماند. نوشتار حاضر ره آوردِ گفت و گو با فرزند ایشان محمد صادق ابوالحسنی در اولین سالگرد آن فقید فرزانه است.

یک سال از رحلت استاد ابوالحسنی می گذرد و این رحلت به قدری ناگهانی و بهت انگیز بود که نتوانستیم کم و کیف ماجرا را از زبان شما بشنویم. ایشان که حالشان خوب بود. این جریان چطور اتفاق افتاد؟

روزی که این اتفاق دردناک افتاد در کرج بودم و حدوداً نزدیکی های غروب بود که به قم رسیدم. شب حدود ساعت نه بود که زنگ تلفن به صدا درآمد. خواهرم بود اما صدای او با همیشه تفاوت داشت. گریه امانش را بریده بود و توانی برای سخن گفتن نداشت. هر چه پرسیدم چه شده جوابی نمی داد تلفن را به همسایه داد و من این خبر دردناک را از همسایه شنیدم. انگار آسمان بر سرم خراب شد. توصیف آن لحظات برایم بسیار دشوار است. از قم تا تهران لحظه به لحظه نفسم به شماره افتاده بود. به منزل که رسیدم، حسی غریب را تجربه کردم. منظره عجیبی بود. بزرگمردی که در دفاع از معارف اسلام و حریم ولایت به تمام قامت بر می خواست و قد علم می کرد، دیگر توان برخاستن نداشت. دستان توانمندی که برای دفاع از اهل بیت(ع) و شعائر تشیع قلم می زد و قدرت قلمش در همه محافل علمی زبانزد بود، دیگر توان حرکت نداشت. پیکر بی جانش گوشه ای آرمیده بود و روح بلندش عند ملیکِ مقتدر قرار گرفت. و به این ترتیب مورخ ما جغرافیا را وداع گفت.

ص: ۱

خبر پیامک به پیامک و سایت به سایت پیچید که : «قلب تپنده علی ابوالحسنی(منذر) از حرکت باز ایستاد!!». رحلت استاد برای عده ای بسیار غمبار و برای گروهی بسیار مسرت بخش بود. برای اهالی فرهنگ و اندیشه، و عاشقان مکتب اهل بیت (ع) دردناک بود ولی برای دشمنان تشیع، فرقه های ضاله و زخم خوردگان منحرفی که از سلاح قلم و بیان روشنگر او در هراس بودند بسیار خوشحال کننده بود. حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر رشاد در همین زمینه تعبیر رسایی به کار بردند:

«خبر، پتک در آینه بود": ابوالحسنی منذر به آسمان پیوست "!مگر آتشفشان می تواند که ناگهان فرو میرد و طوفان کی یارد که نابهنگام فرو نشیند؟ حاشا و کلا! دریغا و دردا!».

خلاصه مدتی گذشت و به طور اتفاقی در کتاب آینه دار طلعت یار - که از شاهکارهای ادبی ایشان است – به عبارتی برخوردم که گویا شرح حال امروز خود را گفته است: « باغبان رفت ولی باغِ بی خزانش باقی است. آری معمار رخ در دل خاک نهان ساخت ولی کاخِ بلند و دلاویزش که آجر آجرِ آن، سخنِ سنجیده و نیکوست پابرجای ماند...».

شما یک سال را با مواریث علمی پدر سپری کرده اید. امروز اگر بخواهید به جوانان و کسانی که هم سن و سال شما و علاقمند به پیگیری این مسیر هستند، پدرتان را معرفی کنید چه می گویید؟

در بررسی ویژگی های ارزشی، شخصیتی و علمی استاد منذر به مولفه هایی برمی خوریم که واقعا اگر نگوییم شخصیتی بی نظیر بود، باید بگوییم کم نظیر بود. برخی از این امتیازات، اکتسابی ولی بعضی دیگر خدادادی است و نظر خاص خداوند است. یکی بیت و خانواده ایشان است. ایشان در یک خانواده علمی و دینی به دنیا آمد و بالید. پدر ایشان آشیخ محمد ابوالحسنی و جد ایشان حاج شیخ یدالله ابوالحسنی اهل علم و عمل بودند.

ص: ۲

شیخ یدالله ابوالحسنی حافظ قرآن، مدرس اخلاق، اهل تهجد و کرامت بود. شیخ محمد ابوالحسنی روحانی جلیل القدری بود که هم در سنگر تدریس و هم در سنگر خطابه فعالیت پرشوری داشت. ایشان با شهید نواب صفوی و آیت الله غفاری مأنوس بود و به منزل آیت الله کاشانی رفت و آمد داشت. پدرم نقل می کرد که یک شب تا صبح در باره شیوه مبارزه با شهید نواب صفوی بحث می کردند. در دهه ۴۰ مجالس مهم علامه عسکری توسط روحانیت غرب تهران در منزل ایشان برگزار می شد و بحث های سقیفه و منافقین صدر اسلام در آن محفل بسیار داغ بود.

شیخ محمد تسلط عجیبی در روایات داشت و در طول عمر گاهی برای پیداکردن یک حدیث یا مأخذ شناسی آن به شهرهای مختلفی سفر می کرد. بد نیست بدانید که در شب عروسی پدرم حضرات آیات آقایان انصاری شیرازی و مصطفی اعتمادی — از اعاظم حوزه - حضور داشتند و آیت الله انصاری، از تسلّطِ فی المجلسِ حاج شیخ محمد تعجب کرده بود. تربیت در این بیت در کنار استادی مثل آیت الله شیخ حسین لنکرانی بسیار سازنده بود.

ویژگی دیگر استاد منذر استعدادِ سرشار در تحصیلِ علم، و ذوقِ بسیار بالایی بود که از کودکی در روحیات او بروز و ظهور داشت. معلوم بود که این نوجوان در هر رشته ای که وارد می شود، بسیار تأثیر گذار است و می تواند آن رشته را متحوّل کند. ایشان در مقدمه کتاب «بوسه بر خاک پیِ حیدر» ، - چاپ دوم - با اشاره به اهتمام پدرش به تربیت فرزندان می نویسد: «از پرتوِ تربیت همو بود که این کمترین، همزمان با ورود به دبستان در مسجد لرزاده تهران به آموختن زبان عربی پرداخت و در کلاس سوم و چهارم هم مطالعه کتب منتهی الآمال و تتمه المنتهی را آغاز کرد، چندان که هنوز ششم ابتدایی را تمام نکرده بود که بسیاری از مجلدات ناسخ التواریخ، به ویژه جلد مربوط به تاریخ خلفا و تاریخ صدر اسلام را از نظر گذرانده بود».

ص: ۳

ایشـان مطالعه و تحقیق را به طور پیگیر ادامه داد و اولین کتابش را در سن ۲۰ سالگی نوشت و این حال و هوا را تا آخرین لحظات عمرش حفظ کرد به صورتی که سالی حـداقل یک کتاب به جامـهٔ تحقیق می آراست وبه عالم پژوهش ارزانی می داشت. ۲۰ تا ۲۳ سالگی کتاب های «هجرت» و دو جلد کتاب «سـکوت» را نوشت. ۲۳ تا ۲۴ سالگی مـدیریت مجله «کوثر» را به عهده گرفت و اکثر مطالبش به قلم خودش بود. ایشان برای اولین بار در تاریخ ویژه نامه ای را برای شـیخ فضل الله نوری منتشـر کرد. تا قبل از آن کسی جرئت نمی کرد این کار را بکنـد. همان موقع هم به ایشان گفتنـد اگر این کار را بکنی، فلانی و فلانی علیه تو مطلب می نویسـند و برایت بد می شود، ولی ایشان گفته بود می نویسم، چون پشتوانه آن تحقیقات علمی است.

کتاب های «توکل»، «حکمت؛ مهاری بر سرکشـی نفس»، «میعاد با اسـتاد مطهری» و «فرقانیسم» را در فاصـله بین ۲۴ تا ۲۷ سالگی به جـامعه عرضه کرد. مـادرم نقـل می کنـد شب خواسـتگاری وقتی ایشـان آمـد، گفت: «من قبـل از این که اینجـا بیـایم بـا کتاب ها و تحقیقـاتم پیونـد خورده ام و تـا حالاـ هفت کتاب از من به چاپ رسـیده است». ایشان به طور همزمان برنامه های جالبی را در رادیو اجرا می کرد، از جمله بحث های مختلفی در باره جلال آل احمد، روشنفکری و مشروطیت...

اوائل دهه ۶۰ که پدرم وارد سن ۲۷ سالگی شد، اتفاقی افتاد که این اتفاق سـرمنشأ یک سـری تحولات شد. ایشان این بار با نوشتن کتـابی به نام «شـهید مطهری، افشاگر توطئه...» به بررسـی جریاناتی ورود پیـدا کردنـد که علاوه بر اینکه نقـد علمی افکار آنها برای جامعه ضروری بود، کسی جرأت این کار را نداشت. این گروه با انتشار این کتاب جنجال زیادی به راه انداختند.

ص: ۴

کتـــاب «شـــهید مطهری، افشاگرتوطئه...» در میان آثار ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است و انتشار آن هم مخالفین زیادی را برای ایشان رقم زد. حتی برخی کناره گیری ایشان را تا حدودی به این کتاب نســبت می دهند و می گویند که ایشان از برخی از مطالب آن عدول کرده است. شنیدن آخرین مواضع ایشان در نسبت با مطالب این کتاب از زبان شما مغتنم است.

سئوال حسـاس و مهمی است و پاسـخ به آن مخصوصاً برای نسـلی که آن دوران را درک نکرده انـد و یا مسائل به شـکل سـلیقه ای برای آنان نقل شـده، بسـیار مفیـد است و آن هم این که بعضـی ها سعی می کنند این گونه وانمود کنند که ایشان در آن مقطع تند برخـورد کرده و به مرور زمـان آرام شـده است. اگر منظورشـان این است که ایشـان در آن موقع نسـبت به موضوعی که در کتـاب «شـهید مطهری: افشاگر توطئه» مطرح کرد، بعدا تجدید نظر کرد، این طور نیست. شـما دقیقا همان تِز را پس از ۲۶ سال در ویژه نامه «فرقان» مجله یادآور می بینید و همان منطق هنوز بر مطالبش حاکم است و ایشان دقیقاً با همان صـراحت اسـتدلال می کند. استاد در مقـاله ای که در همـان ویژه نـامه بـاعنوان: «غوطه زد به خون، فرهـاد» دربـاره شـیخ قاسم اسلامی (ره) نوشـتند که از دوقسـمت قبل التحریر-نگاشـته در اوائل دهه ۶۰ - و بعـد التحریر – که چنـد سـال پیش ملحق شـده – تشـکیل می شود، هر دو یـک حرف و یک شیوه دارد و فقـط به مطلب پر و بال بیشتری داده است. در واقع بیشترین سـهم از موشـکافی ها در باب جریان حسـینیه ارشاد و پیوند بعضـی گروهک ها با آن طرزِ تفکر، از آن ایشان است. و این خود گواه این معناست که حرف نسـنجیده ای نمی زد ولی وقتی حق را تشخیص می داد در این راه ثبات قدم داشت و در احقاق حق می کوشید و از ابطال باطل دست نمی کشید.

در آن مرحله اصل مسئله این بود که افراد دست از تعصب و مطلق انگاری و معصوم پنداری دکتر شریعتی بردارند و جدای از عواطف و احساسات، مسئله را بازبینی کنند.

...و در آن شرایط سخت جرئت نقد پیدا کنند.

دقیقا. و به این هدف هم نائل آمد؛ فراتر از همه اینها باید گفت نه تنها ابوالحسنی در طول این سی سال رویکرد خود را تغییر نداد بلکه این دشمنان او بودند که سبک خود را تغییر دادند. چرا که وقتی دیدند این همه جنجال و هیاهو نتیجه ای نداشت و استقبال مردم را نسبت به تحقیقات او بیشتر کرد، تصمیم گرفتند از این به بعد نسبت به آثار ایشان توطئه سکوت را در پیش گیرند و اساساً تغافل نمایند. از نقاط جالب این کتاب، نقد جریانهای مختلف مثل روشنفکران غرب زده، توده ای ها، تاریخ نگاران سکولار و ... بود و یکی از قسمتهای جذاب و بکر آن، یادداشت منتشر نشده شهید مطهری بود که در واقع نقدی بر اسلام شناسی دکتر شریعتی محسوب می شد.

از بازتاب های انتشار این کتاب هم برایمان بگوئید.

مخالفین با روشهای مختلف به میدان آمدند؛ که بخشی از آن برخورد مطبوعاتی وقلمی بود، در حقیقت ملغمه ای از برخورد ژورنالیستی، فشار روانی، ترور شخصیت، تهدید وحتی ترور فیزیکی. آنها برای شکستن استاد ابوالحسنی و اعمال فشار بر او، دامنهٔ تهدیدهایشان را به خانواده وفرزندان خردسال اونیز کشاندند؛ که البته این شیوه ها در مقابل ایمان وتوکل استاد بی اثر بود. در وجه مکتوب، آقایان آرمین، عماد باقی، یوسفی اشکوری علیه استاد فقید وارد گود شدند،عده ای نیز به میدان خطابه آمدند، از آن جمله آقای سروش- که تاآن زمان مکنونات قلبی خویش پیرامون دکتر شریعتی را آشکار نساخته بود- در مشهد علیه استاد سخنرانی نمود؛ گروههایی نظیر فرقان وباند مهدی هاشمی نیز به ابزار مالوف خویش یعنی تهدید و ترور روی آوردند و عجیب آن که پیش بینی ها، انذارها و هشدارهایی که آن مرحوم در مورد ساختمان فکریِ و عاقبت ناخوشایند این کسان داده بود ، امروز وقوع یافته و به طور عینی آشکار شده

ص: ۶

یعنی در شخصیت ردّیه نویسان مشخص شده.

دقیقاً. در حقیقت ایشان دست روی نقاط حساس تفکر آنان گـذاشت و آنچه که به عینیت رسـید، نماد پس پردهٔ اندیشـهٔ آنان بود و ای کاش آن حرف های پدر جدی گرفته می شد. به هرتقدیر، اسـتاد منذر با ملاحظهٔ آن رویکردهای افراطی، احساس کرد که باید زیربنـایی تر کـار شـود و عقبه وآبشـخورهای این جریانـات دردل تاریـخ، واکـاوی ونمایـان شود، لـذا برای تحقیق به عرصه تـاریخ مشروطیت بر گشتند.

ایشان متوجه شدند که آب از سرچشمه گل آلود است و باید آنجا را درست کرد.

بله، معتقد بود که تاریخ در هر عصری تکرار می شود. از این رهگذر تحلیل دقیق دوره مشروطه و عبرت آموزی از آن برهه حسّاسِ تـاریخی راه را برای بـازنگری در جریانـات روز فکری، فرهنگی، سیاسـی و اجتمـاعی باز می کنـد و برای کشف هویت جریان ها و چهره های عصر حاضر نقش کلیدی دارد.

بازتابهای مثبت انتشار کتاب «شهید مطهری افشاگر توطئه...» چه بود؟

این کتـاب با اسـتقبال گستردهٔ مردم مسـلمان و ولایی ایران مواجه شـد و آنان که بغض فروخفته ومرامنامه و گمشـدهٔ خود را در آن یـافته بودنـد، به سـرعت از آن اسـتقبال کردنـد. شاهـدان عینی نقل می کردنـدکه در برخی شـهرها مردم برای خریـد آن، صف می کشـیدند تـا جـایی کـه بعـد از چنـد بـار تجدیـد چـاپ، شـمارگانش به سـی هزار رسـید! در نخبگـان مسـتقیم الفکر نیز این کتـاب بازخوردهـای مثبت فراوانی را به همراه داشت؛ جالب است بدانیـد که دو تن از مراجع پس از انتشار این کتاب، برای تشـکر به منزل ساده وکوچک اسـتاد تشـریف آوردنـد و در آن ملاقات از خود تواضع بسـیار نشان دادنـد. بزرگی این مطلب، زمانی آشـکارتر می شود که بدانیم آن زمان استاد، طلبهٔ ۲۷ ساله ای بیش نبوده است.

ص: ۷

در برخورد با ایشان، کسانی که آشـنایی کافی به روحیات و منش علمی ایشان نداشـتند، گاهی چنین تصور می کردند که انسان بسـیار متعصبی است، اما در بعضی از موارد چنان وسعت مشربی در ایشان مشاهده می شد که حتی دوستان را متعجب می کرد. این ویژگی ها چگونه در ایشان جمع شده و حاصل چه فرآیندی بود؟

برای پاسخ به سوال شـما بایـد نکته ای را عرض کنم که این فرآینـد را به خوبی نشان می دهـد.مرحوم اسـتاد، سـعه صدر و ظرفیت بسـیار بالاـیی داشت. یعنی تک ساحتی نبود و این موجب شـده بود در ابعاد مختلف همه جانبه نگاه کنـد. جامعیت در علوم مختلف داشت و در تحقیقـاتش به یـک رشـته خاص علمی بسـنده نمی کرد و شـما می بینیـد علاوه بر تاریـخ، در ادبیات، هنر، کلام، سـیره شناسـی، مبـاحث عـاشورا و... آثار ارزنـده ای دارد. از طرفی جامعیت در سـبک تحقیق داشت یعنی در ریزکاوی ها و عمق شـکافی های خود، هم از آثار چاپ شده، بهره می برد ،هم از نسخ خطی و اسناد و هم از خاطرات شفاهی افراد مطلع.

برای روشن شـدن گمگوشه هـای تاریـخ و راز گشـایی از پیچیـدگی هـای آن از همه ظرفیت ها برای بیان حقیقت مـدد می گرفت. سلیقه ای و گزینشـی عمل نمی کرد و در این زمینه بسیار معتدل بود. طیف های مختلف هم که انصاف ایشان را می دیدند به ایشان احترام می کردند. وقتی به مبنای حق می رسـید، ذره ای عقب نشـینی نمی کرد ولی قائل بود که «الفضلُ ما شهدت به الاعداء» وقتی مخالفین یا منتقدین از آنچه که حق است دفاع کنند اثرش بسیار بیشتر است مثل تمجیدهایی که تاریخ نگاران سکولار از شیخ فضل الله کردند.

ص: ۸

از این گذشته در تعامل با جامعه همان طور که اشاره کردید، وسعت مشربشان کم نظیر بود و این با تعصب سازگار نیست. این مسئله به خوبی در آینه مصاحبه ها و تعاملات علمی ایشان با چهره های گوناگون پیداست. ما می بینیم استاد افرادی که به لحاظ رویکردهای سیاسی در وادی های بسیار متنوعی سیر می کردند و حاضر به گفت و گو و تعامل با کسی نبودند، رابطه برقرار کرده و در راستای تقویت تشیع، دفاع از نظام اسلامی و تمامیت ارضی ایران با آنان رابطه داشته است. چنانچه بعد از رحلت ایشان نیز در بین افرادی که از استاد تجلیل کردند، گروههای مختلف دیده می شوند. این مقبولیت سرمایه بزرگی است که از انصاف و عظمت و وسعت مشرب ایشان برخواسته است.

بحث به جای مهمی رسید ، بعضی ها ادعا می کنند ایشان نسبت به شیخ فضل الله نوری تعصب داشت و این مسئله طبعا در جهت گیری ایشان اثر گذاشت. نظر شما در این باره چیست؟

سئوال من این است که اگر ایشان به شیخ فضل الله تعصب داشت، برخوردش با قاضی دادگاه او که حکم اعدام وی را صادر کرده، باید چگونه باشد؟ برخوردش با تقی زاده که جزو جناح غرب زده تندرویی که قاتلین شیخ در میان آنها بودند، باید چگونه باشد؟ ما می بینیم در تبیین زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی علاوه بر نقاط منفی و قابل تأمل فراوان در کارنامهٔ زنجانی، اگر اوکار مثبتی هم داشته، ذکر کرده است؛ مثلاً اگر در جوانی با میرزا محمد ورقاء، مبلغ سرشناس بهائی مناظره کرده و بر او چیره شده یا اگر شعری که درباره ولایت اهل بیت(ع) سروده، همه را آورده است.

ص: ۹

استاد منـذر در بخش هفتم کتـاب، به خـاطرات زنجـانی که سـرشار از تناقضـات و تحریفـات متعـدد است، پرداخته منتهی با اخلاق وانصاف علمی، ابتدا اگر نقاط مثبتی به چشم می خورد، آنها را ذکر می کند و بعد وارد نقد او می شود.

در کتاب «آخرین آوازِ قو» با اینکه از ظلم ها، فتنه انگیزیها و شهرآشوبی های تقی زاده در صدر مشروطه یاد می کند، اما می نویسد حالا که انگشت روی خطاهای فاحش او گـذاشتیم، رسم انصاف اقتضا میکند که اقدامات دیگر او در نیمه دوم عمر را هم بگوییم. مثل اعتراف به خطا، اظهار آلت فعل بودن در تمدید قرارداد دارسی و مبارزه با تغییر خط که در بخش نهم آن کتاب می خوانید.

ایشان به جدّ معتقد بود که تقی زاده به خطای خود اعتراف، و ابراز ندامت کرده است.

تعصب را دوست نداشت. کسـی که نگاه تعصبی به شـیخ فضل الله نوری (ره) داشته باشد نمی تواند با تقی زاده و زنجانی این گونه برخورد کند.

البته متأثر از مواریث فکری آقای شیخ حسین لنکرانی هم بود، چون ایشان تائب شدن تقی زاده را تا حد زیادی از آقای لنکرانی گرفته بود.

ایشان گذشته از آنچه مرحوم شیخ حسین لنکرانی(ره) می گفت، یک سری اسناد، مدارک و حتی عکس هایی را مورد بررسی قرار داده بود که این نظر را تایید می کرد.

وانگهی اثر برجستهٔ مرحوم والد درباره صاحب عروه(ره) علاوه بر تجلیل از وی، ادب و احترام نسبت به مرحوم آخوند خراسانی(ره) را ضروری می داند لذا آیت الله العظمی صافی فرمودند خیلی از کسانی که از صاحب عروه (ره) دفاع می کنند، آخوند خراسانی را محکوم می کننـد و خیلی از کسانی که به دفاع از مرحوم آخونـد (ره) برمی خیزند، انگشت اتهام را روی مرحوم سـید می برند ولی آقای منـذر در این کتاب به خاطر ادب و انصافش در تحلیل علمی و تاریخی به هر دو بزرگوار – رضوان الله علیهما- احترام کرده و غبار تحریف از چهره هر دو زدوده است.

ص: ۱۰

چه تمهیداتی برای حفظ و نشر آثار و آراء ایشان اندیشیده اید؟

ما در آستانه سالگرد دو بزرگداشت علمی را پیش رو داریم. یکی در دانشگاه تهران و یکی در حوزه علمیه قم. اولی عصر چهارشنبه دوم اسفند ساعت ۳ تا ۶ در سالن شیخ انصاری(ره) دانشگاه تهران و دومی دهم اسفندماه در سالن همایش مدرسه دارالشفاء حوزه علمیه با هماهنگی موسسه تاریخ معاصر ایران برگزار می شود. بهترین چیز برای معرفی ابوالحسنی، آثار خود ایشان از جمله مقالاتشان است که به بیش از ۳۰۰ مقاله و چهل و پنج کتاب بالغ می شود که در زمینه های مختلف نوشته شده است مثلا ایشان در این اواخر به طرز پررنگی در موضوعات فقهی قلم می زدند اخیرا ۲۴۰ صفحه در باب مسائل فقهی، اصولی و تاریخی در فصلنامهٔ فقه اهل بیت(علیهم السلام) مطالب ارزنده ای نگاشتند که آیت الله العظمی علوی گرگانی با دیدن آنها به حقیر فرمودند: «پدر شما شخصیتی جامع داشت که اگر در باب فقه و اصول هم وارد می شد کارهای عمیقی ارائه می داد». به نظرم بهترین چیز برای معرفی ایشان نشر آثارشان است که در سال جاری کارهای مهمی صورت گرفته: تجدید چاپ کتاب های بوسه بر خاک پی حیدر (ع)، سیاه پوشی در سوگ ائمه نور(ع)، و هفت جلد کتاب درباره شیخ فضل الله نوری (ره)

مقالات شیخ فضل الله نوری؛ مواجهۀ عقلانیت"وحی باور "با عقلانیت"خودبنیاد"غربی. قسمت سوم، ش ۶۵،مجله فقه اهل بیت علیهم السلام

مصاحبه منتشرنشده استاد در روزنامه جوان- بهار امسال- - «روحانیت را نیازمند دفاع کسی نمی بینم»

مصاحبه منتشر نشده مرحوم استاد با مجله زمانه - «کار شیخ ناتمام ماند»

ص: ۱۱

«سالگردی دیگر برای شیخ فضل الله» نگاهی به اولین کار مطبوعاتی استاد ابوالحسنی در آخرین شماره مجله زمانه. مقاله «انجمن زنان صدر مشروطه؛ دست ها و دسیسه ها» درویژه نامهٔ«ریحان» که ضمیمه جام جم و پاسخی به ویژه نامه خاتون بود. مجله زمانه ویژه نامه ای به نام آخوند خراسانی چاپ کرد به نام «تبیین بی تعصب آخوند -ره-» که کل آن ویژه نامه تحت نظارت ایشان بود. خودش هم در آن، یک مقاله با نام «چند روایت معتبر» نگاشته است. چنانچه به زودی دو مقاله در مورد شخصیت مرحوم حجت الاسلام فلسفی با عنوان «بر ستیغ سخن» در مجله تاریخ معاصر ایران منتشر خواهد شد.

از کتاب های در دست چاپ ایشان هم نام ببرید.

از جناب استاد آثار زیر در دست چاپ است: یک اثر جامعپیرامون شهید شیخ فضل الله نوری بیش از ۵۰۰ صفحه (توسط موسسه کتابشناسی شیعه)، مجموعهٔ پاره ای از مقالات استاد (کانون اندیشه جوان) مجموعه ذوق لطیف ایرانی در سه جلد که سومین جلد آن، «لبخند علما» نام دارد بسیار خواندنی است و به مطایبات حکیمانهٔ علما می پردازد. (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹